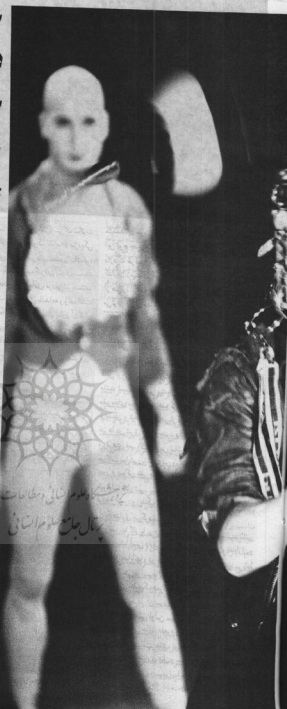


سیرک: در جستجوی سرچشمه‌های خویش نوشته آلیس ون بورن



در حومه صنعتی پاریس، چشادر فبهوای بزرگی در حاشیه سیبانی جاده دوطرفه‌ای جا خوش کرده است. ماشینهای قراضه، دوچرخه‌ها و اسکیت‌ها روی آسفالت خیابان لا یقطع در حرکت‌اند. سروصدای کامیونهای روساز حاصل موتورسیکلت از آن سوی سکوهای نمایش به گوش می‌رسد. هواکشها جریان تند از هوای غبارآلود را به داخل چشادر پخش می‌کنند، درحالی‌که یک گروه نوازنده سوار بر یک وانت در حال حرکت سازهای الکترونیکی خود را به صدا درآورده‌اند. در ابری از اکسید دوکربن و جیره‌های آتش، نمایش بارز کمدینها، شعبده‌بازان، بندبازانی که به نوبت به صحنه می‌آیند، دلقکها، گروهی که به هیأت سوسکه‌ها درآمده‌اند، زن رام‌کننده‌ای که روی «چوب‌پاه» راه می‌رود، آغاز می‌شود. برنامه سیرک آرکاتوس، که جدال نهنگاران و خشتوت شهرها را به نمایش می‌گذارد، ضربت معکس است بر سنت سیرکهای قدیمی. در عین حال تسلانی است متهورانه برای آنکه هنری را به خیابان بسازد گرداند که مدنهایت از آن رخت برسته بود.

واقعبت آن است که سیرک آرکاتوس - یکی از ۴۰ سیرک تجزیه که ظرف ۲۰ سال گذشته کنار خود را در فرانسه شروع کرده‌اند - پیشرو نهضتی است که سعی دارد انقلابی در هنر سیرک برپا کند. این جنبش که یکی از تبعات شورشی دهه ۱۹۶۰ و نوعی بازگشت به داداتیسم اوایل قرن محسوب می‌شود، شاخه‌هایی نیز در ایتالیا، اسپانیا، بریتانیا و کانادا دارد. برخی از این سیرکها کیفیت عالی دارند، مثل سیرک «نامرئی» که در سال ۱۹۷۱ توسط ویکتوریا چاپلین و زن پانیتس تی‌پره تأسیس گردید. برخی مانند سیرک «نان و عروسکه» صمیمیتی عابثانه دارند. این سیرک که در جنوب شد جنگ ویتنام در دهه ۱۹۶۰ در ایالات متحده آمریکا آغاز به کار کرد، در نمایشهای خود از عروسکهای عظیم‌البعث استفاده می‌کند. در پارکها و مکانهای عمومی و به صورت رایگان نمایش می‌دهد. علاوه بر این هر تابستان یک سیرک نمایشی در زمینی ناهموار در ورمونت برپا می‌کند.

پرتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



تصاویر گروه‌بازان
زیست‌بخش یک گل‌دان کهن
یونانی است.

هم‌مسلمان خود اصرار می‌ورزند و دید مساعدی نسبت به این موج جدید ضد سیرک ندارند. لیکن این امر واقعیت دارد که ظرف ۲۰۰ سال گذشته، سیرک اروپا با پشت سر گذاردن زمینهای گلی و ناهموار و جشنهای روستایی، شکلی از هنر را آفریده است که به عنوان هنری هم‌تراز با هنر بالای می‌توان از آن دفاع کرد.

ردیای دوره گردان

دقیقاً نمی‌توان گفت سیرک از کجا سرچشمه گرفته است. آیا رد آن را باید در معابد جستجو کرد یا در بازارها؟ اما سیرک قبل از آنکه در اسناد به آن اشاره شود، در خیابانها حضور داشته است. تصاویر سنده‌بازان را می‌توان روی دیوارهای مغیره‌های مصری مشاهده کرد. پیش از آنکه مارکوپولو به نردستان و شعبده‌بازان دربار قیلائی شان اشاره کند. این هنرها در شرق دور وجود داشتند. تصویر گاو‌بازی در دیوارهای قصر کتوسوس نقش بسته است و سوار کاری و حرکات نمایشی با اسب بین رومیها، مغولها و یونانیها نوعی تهور و بیباکی تلقی می‌شد. علاوه بر این، نمایش با سایر حیوانات مثل شیر، ببر و خرس در سایل رواج داشته است. فراعنه مصر یوزپنک و کاهنان آنها تمساحهای تریب شده را نگاهداری می‌کردند.

رقص با گاو یا نوع آسیاتایی آن گاو‌بازی همانند تئاتر یونانی، منشأ آیینی دارد. در اعیاد دوریهایی یونان، بندبازان و ذلقکها در خیابانها و در جشنها برنامه اجرا می‌کردند. برنامه عمده آنها بعضی مراسم فالوس، گرچه ممکن بود مقدس باشد، اما نمایشهای مضحک همراه با آن به هیچ‌وجه مؤدبانه نبود. چند قرن بعد در آن سوی دریای آفریقایک، هنگامی که سیاستمداران رومی اولین سیرک کامل را ایجاد کردند، برنامه‌های نمایشی حالت منوع و ناپسند خود را از دست داد و مسیری دیگر سافت. هدف اولیهٔ *panem et circenses* می‌توان آن را به اعتباری دان و سیرکهای ترجمه کرد، تسکین و آرام ساختن مردم روم بود، اما بعد در عمل به یک حمام خون تبدیل شد. برای مثال ۱۵۰۰۰۰ نفر رومی تشنه به خون

اشکال متعدد سیرک‌ها، سیرک اعتراض، سیرک سکوت و سیرک هجو. با ریشه‌های مردمی سیرک تشابه و نزدیکی بیشتری دارند تا نمایشهایی که در چادرهای عظیم و باشکوه به اجرا درمی‌آیند و قیمت بلیطشان به گرانای بهای بسیط ابراست. یا لااقل از نظر معنوی و نه مادی، مردمی‌تر هستند، زیرا که سیرک یک حرکت خودجوش، بالبداهه و زنده است و می‌تواند در هر زمان و مکانی رخ دهد. مثال بارز آن کار هنرمندان سیرک انگلیسی «را از زوه» در آفریقای جنوبی است. این هنرمندان در خیابانی مملو از باربرانی که سیدهای میوه و خواروبار را روی سرشان حمل می‌کردند، با ستوان ننگ داشتن استکانهای چای روی کپه‌های خود به اجرای نمایش پرداختند.

می‌گویند که یک پائی سیرک اعم از سیرک توده‌بند، عامیانه یا حاشیه‌نشین، همیشه در گیل است. یعنی سیرک‌ها همواره در مناطق و مساحتات ناهموار و گیل آلود مستقر می‌شوند. اکثریت هنرمندان سیرک‌های قدیمی از این وضع نفرت دارند. اما به نظر آنها، سیرک هرگز با کوچ و بازار سروکار نداشته است. اینان بر روشها و سنتهای اسلاف



تصویر یک مراسم باژوری
قلعه‌ای از شیشهٔ منقوش قرون
وسطایی فرانسه، حدود ۱۷۵۰.

در سیرک ماکسیموس حاضر می شدند و شرکت کنندگان مسابقات ارابه رانی را به کشتن یکدیگر تشویق می کردند و روزانه دهها و گاهی صدها فیل، خرس، شیر و پلنگ به ضرب خنجر از پای درمی آمدند. بعدها برای مسابقات مجرمان و مسیحیان نیز از این طریق استفاده می شد. این سیرک که باید آن را سیرک خشونت نامید با لشکر کتی لژیون روسها به نواحی شمالی در سراسر اروپا گسترش یافت. در ورونا، کاپوآ، سیسیل، پمپئی، آرله، نیس، پوردو تا جزایر بریتانیا، آملی نتازهای مشابه ایجاد شدند. پس از سقوط امپراتوری روم آنچه از آنها باقی مانده معن سنگ بود. واژه «سیرک» از زبان متداول سحر گردید. تا قرن بیستم دیگر از سرگرمیهای با آن مقیاس وسیع خبری نشد. سیرک رومی مردود شناخته شد، اما عناصر کمتر سازمان یافته آن راه پادشاهان را در پیش گرفت. طوسی قسرون وسطا رام کنندگان و تربیت کنندگان حیوانات و بندبازان در سراسر اروپا، آسیا و آفریقا می گشتند. در انگلیس یا در کنار پرچینها می خوابیدند و در بازارهای مکاره یا در برابر پادشاه برنامہ اجرا می کردند. آلفرد کبیر به گروهی که با حیوانات وحشی، بندبازی و عملیات خنده آور نمایش می داد، کمک می کرد.

ویلیام فاتح گروهی از بازیگران فرانسوی را به انگلیس برد. به روایتی تنها بازماندهٔ ۳۷ فیل که هانیبال با آنها قلهٔ آپ را پشت سر گذارده بود، نیای یک نوع فیل اروپایی است. این روایت در صورت صحت، بسیار قابل توجه است. زیرا اصولاً این حیوان پوست کلفت در اسارت تولید مثل نمی کند.

بازار مکاره و معرکه گیران قرون وسطا

ژان ویلیه، یکی از پژوهشگران مرکز ملی هنر سیرک فرانسه به نشانه‌هایی از وجود سیرک در کهنه کارهای کلیسایی مربوط به قرون وسطا اشاره می کند. او می گوید پس از آنکه سیزده هزار کارگر برای ساختن کلیسای آرده شدند، گروهها و دسته‌های معرکه گیری نیز برای سرگرم ساختن آنها تشکیل گردید. وقتی معرکه گیر در بالای نخته یا تپیکت برنامہ اجرا می کرد و جمعیت را سرگرم می ساخت، جیب‌برها هم کار خود را می کردند. بندبازان از این تپیکت به عنوان نخته پرش استفاده می کردند در عین حال تپیکت و نیلهای مناسب برای نظارت و کنترل جمعیت بود. بندبازان طنابهای خود را به ستار مخروطی کلیساها نصب می کردند و شعبده بازان درجه‌های مخفی و وسایل و ابزار داستانهای مذهبی کلیسای را به اسرار حرفه‌ای خود میدادند. عده‌ای از این شعبده‌بازها به اتهام جسادگری در آتش سوزانده شدند، اما برخی زرینگر بودند. نظیر شعبده‌بازی که به اسب خود یاد داده بود در برابر حلیب زانو بزند و تعظیم کند.

مردم قرون وسطا این نمایشها را تحسین می کردند. کلیسا نیز از اجرای آن در بازارهای مکاره و جشنهای روستایی رضایت داشت. چون این برنامه‌ها معمولاً با اعیاد مذهبی تقارن پیدا می کرد و زائران بسیاری از همهٔ نقاط کشور در آن

شرکت می کردند. برگزاری اعیاد مذهبی که نخست منحصر به کلیساها و صومعه‌ها بود، تدریجاً به مناطق اطراف نیز کشیده شد و کاسیان و معرکه گیران بساط خود را در این مناطق پهن می کردند. و به این طریق سالی یک بار مسیحیان فرصت می یافتند تا هم به امور مذهبی و معنوی و هم به داد و ستد و تفریح بپردازند.

مشهورترین این بازارهای مکاره بازار مکاره سن پارتولمی است که در دبیری خارچ از لندن برپا می شد. در سال ۱۱۳۳ میلادی رئیس صومعه‌ای موسوم به رایبر (دلقک سابق هنری اول) شاه را به برپایی یک جشن سه روزه متقاعد ساخت. سرگزاری بازار مکاره سن پارتولمی ۷۰۰ سال ادامه یافت و به صورت گردهمایی سیرکها در آمد. رایبر به شناخته شدهٔ مجزه گر مشهور بود. صد سال بعد بازار سن پارتولمی معجزات دیگری نیز از خود نشان داد که هم با تحسین تماشاچیان روبرو می شد؛ مثلاً زنی روی نوک دو

تصویری برداشته از یک گراور قرن پانزدهم که مرصی را در ونیز همان عصر به هنگام عبور از روی طناب نشان می دهد.





بازار مکاره سن پارتولمی در لندن، گراور ساخته شده در سال ۱۸۰۹، به وسیله کاریکاتورست انگلیسی، نامس رولاتسون و ا. پی. بوگین.

که انگلیسهای علاقمند به حیوانات شور و اشتیاق فراوانی به آن نشان می‌دادند.

رژه‌ها و دلقکها

دوران شکوفایی نمایش سیرک، با لایزال نمونه اولیه آن، در دوره رنسانس در ایتالیا تحقق می‌یابد. سزار بورزی (جزیره بورجا) در سال ۱۵۰۰ و چندسال بعد، استعداد تجار و اصناف فلورانس، سنت رژه پیروزی رومیها را احیا کردند. گازیهای زیبا باشخصیتها و قهرمانان شمیلی و کمدی در خیابانهای فلورانس و میلان به حرکت درآمدند. عاشقینهای نخیلی، کره‌های چراغان، کشتیها و گویهای حامل کودکانی آوازخوان با هیأت فرشتگان از دیگر برنامه‌های این رژه بود. لئوناردو داوینچی برای یکی از این مراسم یک شیر آهنی ساخته بود. این شیر چند قدم پیش می‌آمد و سینه‌اش معلوم از زئین خود را می‌گشود. در سینا، یک گروه دوازده نفری از بالرنیها از شکم یک گرگ طلایی بزرگ بیرون می‌پریدند. شخصیت «دلقک» هدیه دیگر ایتالیایها به سیرک است. دهها کمترین در محوطه‌های پر ازدحام و شلوغ تأثیر کمندبا دل‌آزته کار می‌کردند، که از میان آنان دو شخصیت موسوم به «زانی» تقریباً در همه سیرکهای امروز دنیا نیز حضور دارند. هازلکن، دلقک یا لوده بدله‌گو و زرننگ، یک شخصیت کاملاً قدیمی و اقتباسی است از پرسوناز شیطان قرون وسطا. در حالی که قریش ساده لوح او، پیر، دلقک تپید برسامزدهانی

شمعبر می‌ایستاد، دیگری روی صوبه یا راه می‌رفت، در حالی که کوزه آبی را بر سر و کودکی را در بغل داشت. طول مدت برگزاری این بازار نخست به دو هفته و سپس به شش هفته رسید. بعد مذهبی آن در زمان سلطنت هنری هشتم از بین رفت و ردیف دکها به خیابان مبدل شد. این خیابانها را اول با سنگ فرش کردند و سپس سواره کشی کردند. بن جانسون نمایشنامه‌نویس انگلیسی در سال ۱۶۱۴ از هیاهو و ازدحام دکداران، صدای جفجه‌ها، طبلها، تیر زین‌ها، تی‌اینها، خیمه‌شب‌بازها، تله‌موشها، اسبهای چوبی، سنگهای تربیت شده، عقاب، گرگهای سیاه، گاوچی یا ۵ پا و خرگوش صحرائی که دایره زنگی می‌تواند سخن می‌گوید. «رقص روی طناب» مشهورترین برنامه نمایشی ۵۰ سال بعد است. پندبازی امروز در قیاس با کار بسندبازان قسرن هدف، سطحی ساده و نازل دارد. در آن زمان اسبها و قیلها روی طناب راه می‌رفتند. یک پندباز ایتالیایی، یک مرغابی روی سرش می‌گذاشت و یک چرخ دستی حامل دو کودک و یک سگ را به دنبال خود می‌کشید و آوازخوانان روی طناب راه می‌رفت.

چشنها ویژگی خاص خود را داشتند. برخی، نمایش با حیوانات و برخی نمایشهای عروسکی را عرضه می‌کردند. بازار مکاره یا جشن سن پارتولمی قرارگاه مدیران گروههای نمایشی بود که در طول سال در کشور سفر می‌کردند. علاوه بر این اقامتگاه سیرکهای سیار حیرات‌نیز محسوب می‌شد.

است با لباسی گشاد و صورتی سفید شده که محبوب افراد احساساتی است.

از استلی تا آرکاتوس: از «رینگ» تا خیابان در اواخر قرن هجدهم، این عناصر در لندن جمع شد و در یک صحنهٔ سیرک یا «رینگ» به نمایش درآمد. سیرک در مفهوم امروزی آن به اتفاق آرا به فیلیپ استلی نسبت داده می‌شود. استلی که پس یک میل‌ساز بود به سوارکاری علاقه وافر داشت و مدال الماس شتانی از ملکهٔ فرانسه، ماری آنتوانت دریافت کرده بود. او و جانشینانش دو آسفی‌تائسر باشکوه در لندن و پاریس و همچنین گامترین نمایش اسب‌سواری، بندبازی دلقکی، و صحنه نمایش یا رینگ با قطر ۴۲ پا (۱۲/۵ متر) را از خود به جا گذاشتند. رینگ سیرکهای امروزی هنوز هم قطر ۴۲ پا را دارند.

استلی کار خود را در یک زمین گلی و بیاتلاخی نزدیک بل وست مینستر لندن شروع کرد. گروه نمایش او مرکب بود از دو فوتوزن، دو اسب و همسرش که طبل می‌زد و کلاه را جلوی جمعیت می‌گردانید. طرف مدت دو سال استلی گروه خود را در این محل مستقر ساخت و مدرسهٔ سوارکاری انگلیسی استلی را تأسیس کرد.

متعاقب آن و برای مدت ۱۵۰ سال، مهم‌ترین سرنامهٔ سیرکهای اروپایی را سوارکاری و نمایش با اسب تشکیل می‌داد. نمایش با اسب برای استلی و جانشینانش همان نقشی را داشت که موتورسیکلت برای سیرک‌هایی نظیر آرکاتوس دارد. مرکب نمایش انگیزی که خیابان و محوطه‌های گل‌آلود را برای بینندگان باشکوه و مجلل جلوه‌گر می‌سازد. گایهٔ دو پهلویی که در مسورهٔ استقلالها از جمله «سیرک» مصداق دارد، آن است که نقش نو خیلی زود کهنه می‌شود. از این رو هر دو سیرک جدید مجبور به تجدیدنظر در برنامه‌های نمایشی خویش است. اسب‌رکابها سیرک‌داری سه رینگ را اختراع کردند که زیر یک چادر عظیم و مجلل قرار می‌گرفت، و آن را «بزرگترین نمایش روی زمین» نامیدند. هالودور سیرک را به سینما کشانید و اکنون

نمایش یک سیرک سیار در اسپانیا (۱۹۸۴).

سیرکهای آمریکایی را می‌توان مترادف یک سوپر-نمایش دانست. در حالی که در کشورهای دیگر استادان سیرک سعی دارند ویژگیها و ارزشهای قدیمی و سنتی نمایشها را گسترش داده و آن هنر والا را رونق دهند که هنوز هم در مکتب قدیم سیرکها، از سیرک مشهور گرگزنه تا سیرک «نیز» در سوئیس و سیرک خانواده گروس در فرانسه، وجود دارد.

اکنون با سیرک متفاوتی موسوم به سیرک دیگر، روبرو هستیم که می‌خواهد سیرک را به سرچشمه و منشا اصلیش بازگرداند. اسامی خود گویا هستند: سیرک تین کین (قوطلی حلی)، سیرک سوئیت کسب (چمدان)، سیرک کسب (آشپزخانه)، آرکاتوس (کهن)، دیده‌گاه سنت‌گرا باشد یا فرامردن، جزئیات دیگر باشد یا شادی آور، فرد مسلم آن است که نمایش با حیوانات دیگر محتمل نخواهد داشت. تائسر خیابانی اکنون به درون سالن‌ها کشیده شده است. بسیاری از این گروه‌ها کار خود را در پیاده‌روها و در تلاش برای کسب چند سکه شروع کردند. اما پس از آنکه برای تماشای برنامه‌های خود خرید پلیط را اجباری کردند و برای دریافت کمک مالی و اجرای برنامه در تلویزیون یا گروه‌های دیگر به رقابت برخاستند. انقلابی که توسط آنها شروع شده بود، به مخاطره افتاد. نمونهٔ بارز این گروه‌ها، سیرک سیار دوسولی کانادا است. این گروه در سال ۱۹۸۱ به عنوان یک کلوب آغاز به کار کرد و هدفش ترویج هنرهای خیابانی بود. لیکن پس از کسب ۹۷ درصد کمک مالی از دولت پس از ده سال نمایش پرزرق و برق، سرد و بی‌رومی را به نمایش گذاشته است که با هنری که در آن سالهای درخشان در خیابان ارائه می‌داد تفاوت بارز دارد.

اما درخت سیرک در پیاده‌روها هنوز ریشه دارد و به حیات خود ادامه می‌دهد. سیرک منبع الهام و آرزویی است که فرد را وامی‌دارد تا برای رضایت و خرسندی مردم روی چوب پا بایستد، روی اسب یا موتور سیکلت حرکات عجیب و متهورانه انجام دهد. خانمها، آقایان، صحنه و دکور تغییر می‌کند، اما نمایش سیرک ادامه دارد!



آیس و نوبورن
نویسندهٔ کتاب «سیرکهای آمریکا»
تصویرگر کتاب «دور استار برهن»
مجلان هنری است، او شرح حال خود را در کتابی با عنوان «تجربیات»
سرگردان به رشتهٔ تخریر در آورده است. بخشی از این کتاب در مجلهٔ ادبی صدای آمریکا چاپ شده و تقدیرنامهٔ اولین بین‌المللی نظریه به خود اختصاص داده است.